

گفت‌وگو با نادر سلیمانی، بازیگر آبادانی سینما و تلویزیون

مردم آبادان عاشق سینما هستند

اطلاع مردم می‌رساندند. اکثر رادیوها هم با باتری کار می‌کرد، البته باتری هم به راحتی در دسترس نبود و گاهی ۱۰ بار باتری‌ها را می‌جوشاندند. چون باتری نبود، چون مغازه‌ای باز نبود، چون آب‌اشامیدنی مناسبی وجود نداشت، چون نانی نبود؛ خیلی وضعیت وخیمی بود. در چنین وضعیتی این رادیو بود که از نظر اطلاع‌رسانی به داد مردم آبادان رسید.

❖ نقشی که در آبادان یازده۶ داشتید (اسماعیل) به نوعی نماینده عشق مردم آبادان به رادیو بود.

دقیقا. همان داستان فیلم و رادیو، کاملا ریشه در واقعیت داشت و شخصیت اسماعیل هم چشمه‌ای از این عشق و علاقه به رادیو بود. آبادان در قدیم یک تلویزیون مخصوص به خود داشت، چون شهری صنعتی بود. رادیو هم جایگاه ویژه‌ای در آبادان داشت و به‌خصوص در دوران جنگ، اهمیت بیشتری پیدا کرد.

❖ جالب است که شما هر وقت فرصتی پیش بیاید، به نقش‌های آبادانی نه نمی‌گویید و بازی می‌کنید، مثل نقش آن راننده آبادانی در فیلم «هکیلو آلبالو به کارگردانی مانی حقیقی.

بله، البته آن نقش کوتاهی بود. به هر حال من بچه جنوب و آبادانم و خیلی دوست دارم برای شهرم کار کنم. اما متأسفانه سازمان صداوسیما آبادان، بودجه درستی ندارد که بتواند به بچه‌های آبادان برای ساخت فیلم‌ها و سریال‌های خوب کمک کند. این تنها مربوط به آبادان نیست و صداوسیما استان‌های دیگر مثل یزد، اصفهان و ... هم بودجه‌های خیلی کمی دارند. متأسفانه این بودجه‌ها برای کسانی که کمی می‌خواهند جدی‌تر و حرفه‌ای‌تر کار کنند، اصلا جوابگو نیست. امیدوارم سازمان صداوسیما بتواند مراکز استانی را تقویت کند. ما بازیگران خیلی خوبی در جنوب و در آبادان داریم، در بخش‌های دیگر تلویزیون و سینما هم استعدادهای فوق‌العاده نابی داریم اما متأسفانه به دلیل شرایط نامناسب حال و روز خوبی ندارند و با خودشان کلنجار می‌روند که چه کنند؛ آیا از شهرشان بیرون بزنند و به سمت تهران بیایند یا همان‌جا بمانند.

من با دوستانم در آبادان و جنوب در ارتباطم، خیلی از آنها مایوس شدند و خیلی از این نوع زندگی ناراحتند. فقط هم بحکم در زمینه تلویزیون و سینما و بازیگر و کارگردان نیست، بلکه هم موسیقیدان می‌شناسم، هم نوازنده می‌شناسم، هم هنرمند در رشته‌های دیگر می‌شناسم اما متأسفانه نه بودجه‌ای در آبادان هست و نه حمایتی وجود دارد.

من واقعا به‌طور دقیق نمی‌دانم بخش فرهنگی آبادان چطور کار می‌کند. فقط در همین حد می‌دانم که بودجه خوبی ندارند. طبیعتا وقتی بودجه و امکانات نباشد، نمی‌توان توقع تولید کافی و باکیفیت داشت. اگر چند گروه بخواهند کار کنند و دو دوربین فیلمبرداری بیشتر وجود نداشته باشد، صداوسیما آن را میان چند نفر تقسیم کند؟

❖ در مجموع ادعا دارید که آبادان به لحاظ فرهنگی و تاریخی و استعداد، ظرفیت خوبی برای تولید فیلم و سریال دارد، اما نه از عوامل بومی‌اش به خوبی حمایت می‌شود و نه سینمای حرفه‌ای ایران، چندان از این ظرفیت بهره می‌برد.

بله، همین‌طور است. در حالی که معتقدم واقعا باید از ظرفیت همه شهرستان‌های کشور در این زمینه استفاده کرد. تازه به نظر آبادان همیشه یکی از شهرهای بنام در سینما و تلویزیون بوده‌است. مسؤولان باید بودجه بدهند و به فکر شهرستان‌ها باشند.

سازندگان آثار سینمایی و تلویزیونی باید به ظرفیت‌های آبادان و دیگر شهرها توجه کنند. چون اگر قرار باشد همه چیز در تهران متمرکز شود، تکلیف جوانان مستعد شهرستانی چه می‌شود؟



رقابت طراحان لباس در مسابقه از ایده تا اجرا

مسابقه زنده طراحی لباس با عنوان «از ایده تا اجرا» طی سه روز در دهمین جشنواره مد و لباس فجر اجرا شد. به گزارش روابط‌عمومی کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور، میزان درخواست و استقبال طراحان لباس در این دوره از بخش طراحی زنده لباس بسیار زیاد بود و در این سه روز گروه‌های طراحی لباس در مسابقه زنده با عنوان «از ایده تا اجرا» خلاقیت و مهارت خود را به محک گذاشتند.

برنامه‌های تلویزیونی پرواز ۵۷ و ساعت خوش به کارگردانی مهران مدیری، چهره‌های زیادی را به تلویزیون و سینمای ایران معرفی کرد، از جمله نادر سلیمانی که به ویژه با آیت‌م سعید و خان دایی در ساعت خوش به شهرت رسید. این بازیگر که تا امروز در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی بازی کرده، متولد آبادان است و تا ۱۹سالگی در منطقه ارتشی‌های کارون آبادان زندگی کرد و با وجود این‌که با شروع جنگ ایران و عراق همراه خانواده به شهرستان ارسنجان استان فارس رفت و بعد هم برای کار بازیگری و زندگی عازم تهران شد، آن لهجه آبادانی و شیرینی شخصیتش را حفظ کرد و حتی در جدی‌ترین نقش‌ها هم می‌توان رگه‌هایی از این ویژگی‌های جذاب را دید. سلیمانی هر وقت که فرصت و موقعیتی برای ایفای نقشی آبادانی پیدا می‌کند، فارغ از کمیت نقش جلوی دوربین می‌رود؛ در آبادان یازده۶ نقش یک آبادانی به نام اسماعیل را داشت و چند سال قبل هم در «هکیلو آلبالو» یک‌راننده آبادانی بود.

❖ نظرتان درباره این‌که در این دوره اخیر جشنواره فیلم فجر، سه فیلم با موضوع آبادان داشتیم، چیست؟
راستش نظر من یک نظر متفاوت است و این سوال را باید از کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان این کارها پرسید.

❖ به عنوان یک آبادانی و یک مخاطب نظرتان را بگویید.

بهر است به جای جواب این سوال، یک شجره کوتاه برایتان بگویم. قبل از این‌که من و شما بخواهیم درباره آبادان حرف بزنیم، آبادان درگذشته و قبل از انقلاب حدود ۱۵سینما داشت؛ سینما تاج، سینما نفت، سینما گلستان، سینما بهمنشیر، سینما رکس، سینما متروپل، سینما شهناز و... یک سینمای روباز هم بود که در اصل متعلق به شرکت نفت و برای استفاده انگلیسی‌ها بود. هنوز هم این سینما در منطقه بریم وجود دارد. چون این سینما در منطقه کارگری تأسیس شد، تماشاگر زیادی داشت و فیلم‌های خارجی پخش می‌کرد. مردم آبادان آن موقع علاقه زیادی به سینما داشتند و بعد از تهران، آبادان دومین شهر پرسینمای ایران بود. به جز بخش فرهنگی که همیشه علاقه‌مند سینما بود، دیگر قشرهای آبادان هم عاشق فیلم دیدن بودند. آن موقع انگلیسی‌ها و هندی‌ها حضور پر تعدادی در آبادان داشتند و همین ارتباطات و سینمای روباز آنها و علاقه‌شان به فیلم دیدن هم نقش مهمی در ایجاد علاقه مردم آبادان به سینما داشت. متأسفانه بعد از فاجعه سینما رکس آبادان، بخش اعظمی از مردم شهر تا مدت‌ها به سینما نمی‌رفتند اما آن علاقه همیشگی آبادانی‌ها به سینما و وابستگی شدید به فیلم، به مرور زمان دوباره خود را نشان داد.

❖ شما ظاهرا تا ۴۰سالگی در آبادان بودید. چقدر به سینما می‌رفتید؟

چون پدرم نظامی و ارتشی بود، ما ساکن منطقه ارتشی‌های کارون آبادان بودیم و بیشتر کودکی من در کوچه‌های آنجا گذشت. معمولا هم با خانواده به سینما می‌رفتیم. اما پدرم اکثرا حضور نداشت و چون از نظامی‌های نیروی دریایی بود، بیشتر اوقات به خارج از کشور می‌رفت. برای همین هر وقت پدر که از ماموریت برمی‌گشت، ما همراه او به سینما می‌رفتیم. به جز این گاهی همراه با دایی و عمو و بچه‌هایشان به سینما می‌رفتیم و فیلم می‌دیدیم.

❖ بیشتر چه فیلم‌هایی دوست داشتید؟
من بیشتر فیلم‌های بروس لی را دوست داشتم.

❖ باتوجه به حرف‌های شما، باید عشق ریشه‌دار مردم آبادان به سینما هنوز هم وجود داشته باشد.

بله، وجود دارد. اما با این حال آبادان خیلی در این سال‌ها مظلوم واقع شده‌است. آبادانی که زمانی پر از سینما بود، حالا تنها دو سینما دارد که یکی از آنها هم در حال بازسازی است. مدتی قبل که خودم رفتم از یکی از آنها عکس گرفتم، اشکم سرازیر شد. این سینما بعد از جنگ خراب شد و سال‌ها کسی سراغی از آن نگرفت، اما خوشبختانه به تازگی دارند آن را بازسازی می‌کنند. این‌که کارگردان‌ها اخیرا و در این دو سال سرعاً قصه‌هایی از آبادان رفتند، جای خوشحالی دارد. مهرداد خوشبخت، کارگردان آبادان یازده ۶ خودش از بچه‌های آبادان است. او در این فیلم سراغ روایتی واقعی درباره رادیو نفت آبادان رفت. وقتی جنگ شد، رادیو آبادان به طرز فوق‌العاده‌ای به مردم کمک کرد. مردم در آن وضعیت جنگی و در نبود تلویزیون و حتی برق، اکثرا از رادیو استفاده می‌کردند. نیروهای ارتش و سپاه هم برای اطلاع‌رسانی از رادیو استفاده می‌کردند و حتی وضعیت‌های قرمز، سفید و زرد و آژیر جنگ را از این طریق به



گلایه از بی‌توجهی به سینمای کودک و نوجوان

پوران درخشنده، رئیس مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان ایران با انتقاد از آنچه دغدغه نداشتن و تعلل بنیاد سینمایی فارابی درخصوص پیشنهادی مربوط به نمایش فیلم‌های کودک و نوجوان دانسته، طی یادداشتی در ایستا از این بنیاد خواست تا بودجه مدنظرش برای جشن امسال «سیمرغ و پروانه‌ها» را به صورت حقیقی و نه‌صوری، برای بهبود اوضاع نه‌چندان بسامان سینمای کودک و نوجوان اختصاص دهد.

فیلم ایدو او که رواجیگر قصه محاصره آبادان در روزهای اول جنگ است، موفقترین اثر جشنواره فیلم فجر بود. عکس: بنوا اشاء جهانی



❖ دونه

امیر نادری که خودش اهل آبادان است، دونه را با توجه به حال و هوای کودکی و نوجوانی خودش ساخت. دونه قصه نوجوان تنهایی به نام امیرو (مجید نیرومند) است که زندگی‌اش را با واکس زدن کفش خارجی‌های مقیم آبادان و جمع کردن و فروش قوطی‌های خالی و چیزهای دیگر می‌گذرانند، اما رویای باسواد شدن و سفر به جاهای دیگر و آزادی دارد. شخصیت امیرو با پرداخت خوب امیر نادری و انتقال کامل اتمسفر و حال و هوای آبادان در سال‌های پیش از انقلاب، یکی از شمایل‌های سینمای ایران است. دونه اولین فیلم ایرانی پس از انقلاب است که به موفقیت‌های جهانی رسید و جوایزی چون پالن طلایی جشنواره سه‌قاره نانت و جایزه ویژه جشنواره بین‌المللی فیلم سنگاپور را به دست آورد.



❖ پرواز خاموش

عبدالحسن برزیده، از کارگردان‌های آبادانی سینما و تلویزیون، سال ۷۷ فیلمی جنگی و دفاع مقدسی به نام پرواز خاموش ساخت که قصه‌اش در آبادان روایت می‌شود. در این فیلم که بازیگرانی چون حسین یاری و بهمن دان بازی می‌کنند، خلبان یک هواپیمای جنگی را می‌بینیم که با وجود زخمی‌شدن باید در فرودگاهی در خاک ایران به زمین بنشیند، اما فرودگاه آبادان که توسط دشمن تخریب شده، حال و روز مناسبی ندارد. بسیجی‌های منطقه دست به کار می‌شوند تا فرودگاه را پاکسازی و برای فرود خلبان آماده کنند.

❖ در کوچه‌های عشق

خسرو سینایی سال ۶۹ فیلمی به نام در کوچه‌های عشق ساخت که قصه‌اش در آبادان روایت می‌شود. داستان درباره جوانی (مهدی احمدی) است که با آغاز



فت این فیلم ساکنان اقامتگاه‌های «کیانوش عیاری به عنوان فیلمسازی بلم دزدان دوچرخه ساخته ویتوریو گی و جنوبی ساکن تهران می‌رود و به تصویر می‌کشد. وقتی اتومبیل قت می‌رود، او و پسرش برنا (سعید ن رازیریا می‌گذارند. صحنه پایانی فیلم تان، سوز تاثیرگذاری دارد.

دان ساخت که سال‌هاست توقیف فیلم درباره یک پیرمرد است که قصد و بازیگر نقش اصلی فیلم، داریوش بین ما نیستند. فاطمه معتمدآریا، ان امانی و حبیب دهقان نسب هم از

ن با موضوع جنگ همین فیلم کیمیا یا با اینکه در دو فضای متفاوت جنگی برچه برخلاف بسیاری دیگر از آثار این ای متفاوت آن کارکردی همگون و کی فیلم در آبادان فیلمبرداری شد و (خسرو شکیبایی) که در آغاز جنگ، را گم می‌کند و به اسارت دشمن بمیا می‌رود.

آبادانی‌های سینما

چهره‌های آبادانی در سینما و تلویزیون ایران کم نداریم. حمید فرخ‌نژاد یکی از شاخص‌ترین چهره‌هاست، بازیگری که لهجه آبادانی‌اش را در هر اثری یک می‌کشد و در نقش‌های جدی و کمدی تواناست و در سال‌های اخیر یکی از پولسازترین بازیگران سینما به حساب می‌آید. ناصر تقوایی یکی از بزرگترین کارگردان‌های تاریخ سینمای ایران آبادانی است. سیروس مقدم هم که از خویشاوندان تقوایی است، آبادانی است. امیر نادری، یکی دیگر از کارگردان‌های پرآوازه و جهانی سینمای ایران، اهل آبادان است. روح... حجازی که امسال فیلم روشن را در جشنواره فجر داشت، متولد آبادان است. دانش اقباشاوی، کارگردان جوان سینما آبادانی است. علی مردانه، بازیگر و دستیار کارگردان و برنامه‌ریز سینما هم از آبادانی‌های فعال عرصه سینماست. در میان سینماگران و چهره‌هایی‌که آبادانی هستند یا برخی از آنها دست کم در آبادان به دنیا آمدند، می‌توان به این افراد اشاره کرد؛ لنینا کیانی، حبیب احمدزاده، مازیار اسلامی، مهشید افشارزاده، بیژن امکانیان، داریوش فرهنگ، محسن امیریوسفی، احمد ایراندوست، عبدالحسن برزیده، نادر سلیمانی، مهرداد خوشبخت، عباس بهارلو، نیلوفر خوش‌خلق، نصرا... رادش، قاضی ریج‌اوی، سلیمه رنگزن، زهرا سعیدی، سیامک شایقی، پرویز شیخ‌طادی، علی صدپور، باربد طاهری، اصغر عبداللهی، عطیه غیبش‌اوی، علی قربان‌زاده، بهرام کاظمی، بابک کایدان، صفر کشکولی، صدیقه کیا نفر، جهانگیر میرشکاری و ...

